



ایران باستان

تار سخن عشق

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۱۳ تیر ۱۳۹۲ | دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

تار باز کن نغمه جانشوزی از آن ساز امشب تا کنی عقده اشک از دل من باز امشب ساز در دست تو سوز دل من می گوید من هم از دست تو دارم گله چون ساز امشب مرغ دل در قفس سینه من می نالد بلبل ساز ترا دیده هم آواز امشب زیر هر پرده ساز تو هزاران راز است بیم آنست که از پرده فتد راز امشب گرد شمع رخت ای شوخ من سوخته جان پر چو پروانه کنم باز به پرواز امشب گلبن نازی و در پای تو با دست نیاز می کنم دامن مقصود پر از ناز امشب کرد شوق چمن وصل تو ای مایه ناز بلبل طبع مرا قافیه پرداز امشب شهریار آمده با کوکبه گوهر اشک به گ



تار

باز کن نغمه جانسوزی از آن ساز امشب

تا کنی عقده اشک از دل من باز امشب

ساز در دست تو سوز دل من می گوید

من هم از دست تو دارم گله چون ساز امشب

مرغ دل در قفس سینه من می نالد

بلبل ساز ترا دیده هم آواز امشب

زیر هر پرده ساز تو هزاران راز است

بیم آنست که از پرده فند راز امشب

گرد شمع رخت ای شوخ من سوخته جان

پر چو پروانه کنم باز به پرواز امشب
گلبن نازی و در پای تو با دست نیاز
می کنم دامن مقصود پر از ناز امشب
کرد شوق چمن وصل تو ای مایه ناز
بلبل طبع مرا قافیه پرداز امشب
شهریار آمده با کوبه گوهر اشک
به گدائی تو ای شاهد طنز امشب
استاد شهریار

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «تار سخن عشق»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1286/pdf/تار-سخن-عشق.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۵ آبان ۱۳۹۹